



گزارش تصویری

راننده‌بی احتیاط حادثه آفرید

■ بر اثر بی احتیاطی راننده جوان یک دستگاه خودرو پیکان ،حادثه خونینی در بلوار امام حسین (ع) رخ داد. به گزارش خبرنگار دریا ؛ این حادثه حوالی ساعت ۱۲ظهر روز پنجشنبه هفته گذشته در



سالیانی بر من بپای زندگی حساب کرده اند.کدام زندگی ؟من حتی دقیقه ای بحقیقت زنده نبوده ام .در قالب آدمی و به لسان آدمی ،تقلید گر چیره دست آدمیانم.من نه آدمم ،من نه زنده ام .کالبد بی جانی هستم که درمیان شما می لولم . اگر امروز را فردایی است و فردا را قیامتی در آن فردا که عدل الهی حکم می رانمن فغان خواهم کرد،ناله سر خواهم .فقط یک کودک ممکن است قطعه لعلی را به خرمهره ای بفروشداما من ،من انسان عاقل بالغ ناگزیرم کودکانه و سفیهانه صدف رابنهم وخرمهره برگردم . چون پیرم !! و او در شصت سالگی جوان !! ای غم یگوازدست تو آخر کجا پاید شدن در کنار خیابان هم ما را تو پیدا می کنی درست مقال پمپ بنزین بلال چرخ جلو ماشینم پنجر شده.نه زاپاس داشتم و اگر داشتم قدرت باز کردن چرخ را نداشتم.ناگزیر ایستاده بودم و منتظر بودم شاید دوستی،آشنائی از راه برسد و ازش کمک بخواهم .حدود نیم ساعتی به رفت آمد ماشینها می نگریستم پرایدی که خانم نسبتا مسنی پشت رل نشسته بود چند قدم بالاتر ترمز کرد و با اشاره دست مرا بسوی خود خواند.به تصور اینکه همسریگی از دوستانم است بسمت اتومبیل ایشان بحرکت در آمدم. به جلو درکه شیشه اش در حال پائین آمدن بود رسیدم ،خانم ضمن دادن سلام مرا بنام خواند وگفت : آقای فراز مسلما مرا نمی شناسید،اما من از روی عکس و مطالبی که در روزنامه دریا می نویسید شمارا شناختم چرا اینجا ایستاده اید؟ عرض شد با تشکر از لطفی که کردید و ایستادیدماشینم پنجر شد و زاپاس ندارم.منتظرم دوستی ،آشنائی برسد با او به دفترم بروم و زاپاس را بیاورم و...که فرمود:حاضرم شما را به دفترتان برسانم و

عبرت

لعل و خرمهره...

مردان شصت ساله ای که بیست ساله شده اند !!

فریدون دبیری(فراز)

■ اگر در ازل مرا در انتخاب زاییده شدن و باقی ماندن در عدم مغیر می کردند بی شك تاریکی جاوید عدم را ترجیح می دادم . بی آنکه در حسرت آمیختن پا دنیا پشت دست افسوس بدندان یگزم اینست زندگی ؟

چنانچه کاری از دستم بر آیدانجام دهم .از لطف بی کران آن خانم صمیمانه سپاسگزاری کردم و گفتم: حاضر به زحمت شما نیستم مسلما آشنائی خواهدرسید و... خانم فرمود:من به دو دلیل ترمز کردم یکی بقصد کمک و دوم اینکه مدتها بود می خواستم برایتان از سرگذشت پردر د و رنج و عذاب آورم بنویسم که فرصتش بدست نیامد حالا که خودتان را دیدم خواهمش می کنم که سوار شویدتا هم شمارا برسانم و هم اینکه داستان زندگیم را برایتان تعریف کنم . الزاما اجبارا سوار شدم . چند ده متری که اتومبیل حرکت کرد گفت: ۴۵ سال دارم ولی از بس در خانه شوهری انصافم جان کنده ام .۶۰ساله می نمایم ،شما را بخدا دقیق بصورت نگاه کنید ،این صورت مال یک زن ۴۵ ساله است یا ۶۰ ساله؟ چه عرض کنم خانم ،اما باید عرض کنم پیری صورت و چین و چروک آن دلیل سن بالا نیست .ممکن است ژنتیکی باشد،مهم قلب آدم است که حتی در صد سالگی صورتی بی چین و چروک به انسان می دهد...که گفت:بقول شوهرم هیچ چیزم بزن نمی برد،موهای سفید و صورت پر چین و چروک شده مگر می شود با طبیعت جنگید،شوهرم همیشه مرا پیر عجوزه صدا می کند،او تا جوان و با طراوت بودم مرا می خواست .تا زمانی که موهایم مشکی و دندانهایم مثل صدف بود دوستم داشت . سی سال پیش که پا در خانه او گذاشتم دختر با نشاطی بودم که فقط ۱۵ سال داشتم . او در آن وقتها ۲۵ ساله بود.از عشق و محبت او چه پربایت بگویم؟هر دو جوان بودیم هر دو همدیگر را دوست می داشتیم ،ولی شوهرم پول و پله و کار خوبی نداشت ،من با مختصر در آمد او می ساختم و خم به ابرو نمی آوردم حساب (دهشاهی) را هم نگه می داشتم که میادا به او ظمی شده باشد

روزها و ماهها سالها پشت سر هم آمدم و رفتم ، آنقدر در خانه اش زحمت کشیدم و مراقب همه چیز بودم که بالاخره با اندوخته ای که بدست آوردم توانستیم زندگیمان را بهتر کنیم ،او با پولهای که من جمع کرده بودم سرمایه ای تشکیل دادو آن را بکار انداخت . بخت او بار شد و کارو کاسبیش سکه شد.بقول همسایه ها هر یک تومانش ده تومان شد. درست موقعی که من می بایست ثمر سالها زحمت و صرغه جوئی را ببرم جوانی و طراوتم را از دست داده بودم. شوهرم هیچ یک آن فداکاریهای مرا بخاطر نمی آورد.پول چشمهپاش را کور کرده ،در این پنج سالی که زندگی اش رونق گرفته یامن رفتارهای زشت و توهین آمیزی داشت بهمین جهت شکسته ترشدم ام ،هر روز بمن سرگوفت می زند و می گوید: من بدبخت چه گناهی کرده ام که باید با یک پیر زن زندگی کنم؟من باید با یک دختر ۱۷ ساله ازدواج کنم آخرشما را بخدا بگویند مگر من با این شکل و شمایل به خانه اش رفتم . یا مگر او هنوز جوان و زیباست ؟اگر من ۴۵ سال دارم او که ۶۰ ساله است ولی طمع و حرص پول باعث شده که خودش را جوان بداند و مرا پیر .

آخر های شب با حالتی نیمه مدهوش بخانه می ایوب بنای عیب جوئی و انتقاد سرزنش را می گذارد. مرا به باد ناسزا و حمله می گیرد و می گوید:پاشو از خانه من برو بیرون که چشم ندارم تو را ببینم ! آیا این پاداش



فداکاریهای من است؟ آیا فلسفه ازدواج یعنی این بلا که من گرفتارش شده ام . مرده شور این پول و ثروت را ببره که بعضی ها را غره می کند .

مرده شور مسکرات و مواد مخدر را ببره که روی وقیحانه او را بروی ما باز می کند و زبان آنها را به کنیف ترین حرفها می آلود. این خانم محترم ،با خلاصه کردن رنج درون و بیدادگری مردی که مثلا شوهر اوست مرا به دفترم رساند و من ضمن یکدنیا سیاس از ایشان خداحافظی کردم و با رفتن او با هزاران لعن و نفرین بخود و به آن شوهر می گویم: واقعا ،وقاحت ، حد و اندازه ای دارد،مرد شرم بر تو. خانم محترم باید بشما عرض کنم هستند و بوده اند و خواهند بود همانند آقای شما وقتی جیششان جاق و چله شد و اعتبارشان و قرص و محکم ناگهان هوس عهد شباب به کلشان زده و پاک از خاطر برده اند که ۶۰ خزان از عمرشان گذشته و آن هیکل مردانه و شانه های پهن،کچ و کوله شده و انبوه موهای سیاه که بورگاری قلب دختران را بلرزه در می آورد حالا جای خود را به چهارتا و نصفی موی خاکستری رنگ داده که هر روز صبح با شانه سر قهر و کشمکش دارند.

امیدیه اینکه این قبیل مردان سر عقل بیایند و بجای حرص و از به جوانی خود بیاندیشند که کی بویند و با همت و پای مردی فداکاری همسران خود به این جا رسیده اند.

■ درست مقابل پمپ بنزین بلال چرخ جلو ماشینم پنجر شد.نه زاپاس داشتم و اگر داشتم قدرت باز کردن چرخ را نداشتم.ناگزیر ایستاده بودم و منتظر بودم دوستی ،آشنائی از راه برسد و ازش کمک بخواهم .

حوادث دنیا

بازگشت مرد قایق سوار

که ۵ سال پیش مرده بود



مرد انگلیسی که ۵ سال قبل حین قایق سواری، قایقش در دریا غرق شد و در این مدت تصویری شد که مرده است، از اداره پلیس لندن سر درآورد . به گزارش گروه «حوادث» ایسنا، «جان داروین» که بقایای قایقش در ساحل سیتونکارو در ماه مارس سال ۲۰۰۲ میلادی پیدا شد، در طول این ۵ سال برای همه دوستان و خانواده اش مرده بود تا این که در اواخر هفته گذشته، خود را به اداره پلیس لندن رساند و به آنها گفته بود که هیچ چیز از گذشته اش به یاد نمی آورد. این مرد ۵۷ ساله به دست پسرهایش «آنتونی» و «مارک» سپرده شد و همسر وی نیز احتمالا پس از فروش خانه شان، در خارج از کشور اقامت دارد. پسران «جان» می گویند که اگر چه بازگشت پدرشان شوک بزرگی برای آنها بود، ولی موجب شد خانواده شان بینهایت خوشحال شوند. آنها می گویند که حال پدرشان خوب و مادر آنها از شنیدن این خبر بسیار خوشحال شده است.

حلقه ازدواج

جان عتیقه فروش رانجات داد



■ حلقه ازدواج صاحب یک فروشگاه بزرگ عتیقه فروشی در ایالت میسسیپی آمریکا، جاشن را در برابر شلیک گلوله سارقان نجات داد. گروه (حوادث) ایسنا، «دونی رجیستر»، طبق عادت هر روز صبح منتظر ورود اولین مشتریان خود بود که چند مرد وارد عتیقه فروشی شده و از او خواستند چند سکه را ببینند. سپس یکی از آنها اسلحه کشیده

و از او تقاضای پول کرد . رجیستر کیف پولش را به مرد مسلح داد، اما وی با این حال سر رجیستر را نشانه گرفت و شلیک کرد . رجیستر در تشریح حادثه گفت: او به طرف سرم شلیک کرد و من دستم را بالا آورده و جلوی پیشانی ام گرفتم و به این ترتیب گلوله به حلقه ازدواجم که در دستم بود، برخورد کرد. درنial آنها سرم اصابت می کرد . بر اساس این گزارش حلقه این مرد عتیقه فروش که قر شده بود، گلوله را بازگردانده بود و سارقان بلافاصله فروشگاه را ترک کردند و با این که رجیستر از ناحیه دست و گوش نیز دچار جراحت شده بود، دنبال آنها از فروشگاه خارج شده بود. در حال حاضر پلیس، تحقیقات را برای دستگیری سارقان فراری آغاز کرده است .

آگهی ابلاغ اجرائیه

بدین وسیله به آقای مرتضی گالشی پلکو فرزند ابراهیم بشماره شناسنامه ۵۱۰ صادره از رشت بعنوان راهن ابلاغ می شود بانگ تجارت استان هرمزگان به استناد سند رهنی شماره ۲۲۸۸۷ مورخ ۸۶/۱/۲۰ تنظیمی دفتر اسناد رسمی شماره ۴۹ بندرعباس برای وصول مبلغ ۲/۱۰۱/۷۶۴/۱۹۵ ریال بابت اصل ،بانضمام کلیه خسارت قانونی وارده تا روز وصول و مبلغ ۲/۰۸۸/۲۰۹ ریال نیم عشر اجرائی بدهی شما بابت پرونده اجرائی کلاسه ۳۱۸۷-۸۷بر علیه شما مبادرت به صدور اجرائیه نموده و پرونده فوق در شعبه اجرائی این اداره تشکیل و در جریان اقدام است . لذا چون طبق گزارش مامور اجرا این اداره در آدرس تعیین شده در اجرائیه شناخته نشده اید و بستانکار نیز نمی تواند شما را معرفی نماید و برای شعبه اجرا این اداره هم آدرس شما معلوم نیست به استناد تقاضای بستانکار و ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فوق الذکر یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محل آگهی می شود . چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی که روز ابلاغ اجرائیه محسوب می گردد اقدام به پرداخت بدهی خودنمائید طبق تقاضای بستانکار این شعبه نسبت به فروش مورد رهن که عبارت است از ششدانگ یکباب مغازه واقع در طبقه همکف به مساحت نود و دو متر و پنجاه و سه دسیمتر مربع به انضمام سی و سه متر مربع طبقه ادائی در آن قطعه اول تفکیکی به شماره پلاک یک فرعی از ۷۵۶۸ و ۲۷۲۸ اصلی واقع در بخش یک بندرعباس ملکی مسعود نوعمت کرامتی و مرتضی گالشی پلکو از طریق مزایده اقدام خواهد نمود . به غیر از آگهی و آگهی مزایده آگهی دیگری منتشر نخواهد شد .
تاریخ انتشار: ۸۷/۸/۱۳

عبداله خواجه بار- مسئول اجرا ثبت اسناد و املاک بندر عباس

آگهی ابلاغ اجرائیه

بدین وسیله به آقای عبدالمجید کریمی رودانی فرزند حبیب الله بشماره شناسنامه ۱۳۲ صادره از میناب ساکن بندرعباس پشت مجتمع سهند ۳ طبقه سوم بعنوان بدهکار و آقای چراغ حسین زاده فرزند حسن بشماره شناسنامه ۱۰۹۹ صادره از رودان ساکن بندرعباس به آدرس فوق بعنوان راهن ابلاغ می شود بانگ ملت استان هرمزگان به استناد سند رهنی شماره ۸۶۴۲۰ مورخه ۸۱/۱۰/۱۰ تنظیمی دفتر اسناد رسمی شماره۹ بندرعباس برای وصول مبلغ ۲۱۷/۲۶۴/۲۲۷ریال بابت اصل انضمام کلیه خسارت قانونی وارده تا روز وصول و مبلغ ۱۳/۸۶۲/۲۱۰ ریال نیم عشر اجرائی بدهی شما بابت پرونده اجرائی کلاسه ۲۵۸۰-۸۴برعلیه شما مبادرت به صدور اجرائیه نموده و پرونده فوق در شعبه اجرائی این اداره تشکیل و در جریان اقدام است . لذا چون طبق گزارش مامور اجرا این اداره در آدرس تعیین شده در اجرائیه شناخته نشده اید و بستانکار نیز نمی تواند شما را معرفی نماید و برای شعبه اجرا این اداره هم آدرس شما معلوم نیست به استناد تقاضای بستانکار و ماده ۱۸آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فوق الذکر یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محل آگهی می شود . چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی که روز ابلاغ اجرائیه محسوب می گردد اقدام به پرداخت بدهی خود نمائید طبق تقاضای بستانکار این شعبه نسبت به فروش مورد رهن که عبارت است تمامی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۱۰۰مترمربع دارای پلاک ۲۲۹۱/۸- اصلی بخش سه رودان ثبت شده ذیل شماره ۲۶۱۴دفتر جلد ۲۶ صفحه ۷۲ملکی آقای چراغ حسین زاده فرزند حسن از طریق مزایده اقدام خواهد نمود . به غیر از این آگهی و آگهی مزایده آگهی دیگری منتشر نخواهد شد .
تاریخ انتشار: ۸۷/۸/۱۳

عبداله خواجه بار- مسئول اجرا ثبت اسناد و املاک بندر عباس

فرم اشتراک

علاقمندان می توانند با ارائه این فرم به دفتر روزنامه

از اشتراك رایگان بهره مند شوند

در صورت گرفتن اشتراك یکساله ،شش ماه رایگان و اشتراك شش ماهه ، سه ماه رایگان می باشد

آدرس : بندرعباس - میدان ایوذر - جنب داروخانه هلال احمر - پاساژ

کامپیوتری هرمز - طبقه چهارم - روزنامه دریا

تلفن : ۲۲۴۶۳۳۴-۲۲۴۳۷۳۳-۲۲۴۶۶۰۰ فاکس

نام و نام خانوادگی :

آدرس :

اصندوق پستی / کد پستی

☐ خواهان اشتراك یکساله ☐ شش ماهه ☐ سه ماهه ☐ به مبلغ

تلفن :

اصضاء

ریال می باشم

مصرف ماهی نقش بسیار مهمی در درمان بیماری های روماتیسم؛

فشار خون وبیماریهای ریوی دارد

● روابط عمومی اداره کل شیلات هرمزگان

